



Original Article

Feasibility of Establishment an International Organization to Preserve the Persian Language

Qotbol Arefin Seraj¹, Sayyed Hadi Mahmoudi²

ABSTRACT

Today, many organizations and institutions have been established in the world based on cultural, linguistic, identity and historical commonalities, and along other factors, the role of language and culture in the formation of these organizations and institutions is prominent. Despite the fact that Persian-speaking countries have many dependencies and commonalities in terms of race, language and history, until now they have not taken a joint action for preserving their common cultural heritage (Persian language). In this research, using a descriptive-analytical method, we are looking for the feasibility of forming an international organization to preserve the Persian language. The findings of the research show that due to the cultural, religious and historical commonalities and the deep cultural influence of the Persian language in the region, cooperation between Persian-speaking countries are possible, and the mentioned countries have the basic prerequisites for establishing a regional organization, and these countries, through inspiration from organizations that are formed based on language solidarity, can establish a regional organization and by using the functional capacities of this organization (Normativisation, Legislation, Supervision, and Executive Actions) they can support, strengthen and expand the Persian language.

KeyWords: International Organizations, Persian-Speaking Countries, Preservation of Persian Language.

How to Cite: Seraj, Qotbol Arefin, Mahmoudi, Sayyed Hadi, "Feasibility of Establishment an International Organization to Preserve the Persian Language", Legal Research, Vol. 28, No. 109, 2025, pp:133-152.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.234993.2696>

Received: 11/03/2024-Accepted: 25/09/2024

1. PhD Candidate, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Corresponding Author Email: q_seraj@sbu.ac.ir

2. Assistant Professor, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



امکان‌سنجی تشکیل سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی

قطب العارفین سراج^۱، سید هادی محمودی^۲

چکیده

امروزه در جهان سازمان‌ها و نهادهای زیادی براساس اشتراکات فرهنگی، زبانی، هویتی و تاریخی تأسیس شده و در کنار عوامل دیگر، نقش زبان و فرهنگ در شکل‌گیری این سازمان‌ها و نهادها برجسته است. کشورهای فارسی‌زبان با وجود آنکه از حیث زبان، نژاد و تاریخ باهم وابستگی و اشتراکات زیادی دارند، تا اکنون اقدام مشترکی را در زمینه حفظ میراث مشترک فرهنگی‌شان (زبان فارسی) انجام نداده‌اند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در پی آن هستیم تا تشکیل یک سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی را امکان‌سنجی کنیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به اشتراکات فرهنگی، دینی، تاریخی و نفوذ فرهنگی عمیق زبان فارسی در منطقه، زمینه‌های همکاری میان کشورهای فارسی‌زبان میسر است و کشورهای متذکره پیش‌نیازهای اساسی برای اساس‌گذاری یک سازمان منطقه‌ای را دارند و این کشورها می‌توانند با الهام از سازمان‌های که براساس همبستگی زبانی تشکیل شده‌اند، به تأسیس یک سازمان منطقه‌ای اقدام کنند و با استفاده از ظرفیت‌های کارکردی این سازمان (هنجارسازی، قانون‌گذاری، نظارت و اقدامات اجرایی) به حمایت، تقویت و گسترش زبان فارسی بپردازند.

کلید واژگان: سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای فارسی‌زبان، پاسداشت زبان فارسی.

استناد به این مقاله: سراج، قطب العارفین، محمودی، سید هادی، «امکان‌سنجی تشکیل سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۹، فروردین ۱۴۰۴، صص: ۱۳۳-۱۵۲.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.234993.2696>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: q_seraj@sbu.ac.ir

۲. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

زبان از جمله میراث‌های فرهنگی و از مؤلفه‌های اصلی سازنده هویت و فرهنگ ملت‌هاست. زبان مانند دیگر ضرورت‌های بشری از اهمیت برخوردار بوده و در صورتی که با تهدید روبه‌رو می‌شود، نیازمند حمایت است. براساس آمار یونسکو، بیش از ۵۰ درصد زبان‌های شناخته‌شده دنیا در آستانه نابودی قرار دارند.^۱ زبان‌شناسان معتقدند که اگر این روند ادامه یابد، تا یک قرن دیگر ۹۰ درصد زبان‌ها منقرض خواهند شد.^۲ از سویی هم، زبان وسیله ارتباطی صرف نیست، بلکه زبان بخشی از هویت و فرهنگ و عامل همبستگی مردم به شمار می‌رود و زمانی که زبانی نابود شود، فرهنگی که آن را پوشش می‌دهد، نیز نابود خواهد شد.^۳ لذا پاسداشت زبان‌ها موضوع مهمی است.^۴

حمایت از زبان در چارچوب قواعد حقوق بشری تحت عنوان «حق بر زبان» مطرح است. به پاسداشت زبان در حقوق بین‌الملل بیشتر از منظر حمایت از حقوق اقلیت‌های ملی و مردمان بومی پرداخته شده است.^۵ چون در اغلب موارد این اقلیت‌ها هستند که از مزایای استفاده از زبان مادری خود محروم می‌شوند.

زبان فارسی که به‌عنوان اساسی‌ترین رشته پیونددهنده فارسی‌زبانان با میراث مشترک گذشته آنها دانسته می‌شود،^۶ در گذشته‌های نه‌چندان دور از زبان‌های مطرح دنیا و زبان اصلی تمام شهرهای منطقه به شمار می‌رفت، امروزه با مشکلات زیادی روبه‌رو است؛ بسیاری از کشورهای که بخشی از قلمرو زبان فارسی به شمار می‌رفتند، این زبان را فراموش کرده و قادر به گفت‌وگو با آن نیستند. در کشورهای فارسی‌زبان کنونی (به‌ویژه افغانستان و تاجیکستان) زبان فارسی مورد هجوم دیگر زبان‌ها خصوصاً انگلیسی و روسی قرار گرفته است و دولتمردان و مسئولان این کشورها نیز کاری جدی برای حمایت از این زبان انجام نمی‌دهند. از سویی هم میان کشورهای فارسی‌زبان هیچ‌گونه همکاری و همسویی در زمینه پاسداشت و گسترش این زبان دیده نمی‌شود. با توجه به موارد پیش‌گفته، در این پژوهش برآنیم تا تشکیل یک سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی را امکان‌سنجی کنیم.

این پژوهش از نوع کیفی بوده و داده‌های تحقیق به شیوه‌ای کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی - تحلیلی مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد.

برای پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی در پاسداشت زبان فارسی استفاده کرد؟ نخست پاسداشت زبان را به‌عنوان دغدغه دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهیم و در ادامه، ضمن بررسی وضعیت زبان فارسی در کشورهای فارسی‌زبان، ضرورت تشکیل سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

^۱. Blake, J. "Safeguarding Endangered and Indigenous Languages-How Human Rights Can Contribute to Preserving Biodiversity", *Environmental Sciences*, Volume 10, Issue 1, 2013, P 131.

^۲. ODU Model United Nations Society. *ODUMUNC 2020 Issue Brief for the GA Third Committee, Protecting Languages and Preserving Cultures*, United Nations, 2020, P 2.

^۳. حبیب‌نژاد، سید احمد و زهرا دانش‌ناری، «حمایت از حقوق زبانی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه حقوق اداری*، دوره ۶، شماره ۱۷، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶.

^۴. فوزی، یحیی و فرحناز نعیمی برچلوی، «گسترش زبان فارسی و چالش‌های سیاسی فراروی آن»، *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*، باتومی، ۱۳۹۵، ص ۸.

^۵. Osiejewicz. J. "Supranational Protection of Language Rights in Universal and European Context", *University of Zielona Góra*, 2017, P 2016.

^۶. حاجیان، خدیجه، «زمینه‌ها و ظرفیت‌های زبان و ادبیات فارسی در هم‌گرایی منطقه‌ای کشورهای حوزه تمدن ایران فرهنگی، مطالعه موردی: افغانستان و تاجیکستان»، *مطالعات فرهنگ و هنر آسیا*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۴۰۲، ص ۹۴.

۱. دولت‌ها و مسئله پاسداشت زبان

حمایت از زبان از راهبردهای سیاسی و فرهنگی کشورهاست و نقش مهمی در پرستیژ سیاسی، فرهنگی، افزایش قدرت نرم و جایگاه دیپلماسی فرهنگی‌شان دارد. تلاش دولت‌ها برای حفظ و توسعه زبان‌ها به‌ویژه زبان ملی‌شان در دو بعد قابل‌بررسی است. یکی در بُعد داخلی که دولت‌ها با به‌رسمیت شناختن زبان‌ها در قوانین داخلی‌شان و تصویب قوانین حمایت از زبان و صدور دستورها، فرمان‌ها و احکام حکومتی به این مهم می‌پردازند. از بارزترین مصادیق این رویکرد حمایتی، معرفی زبان رسمی^۱ و مکلف ساختن دولت برای حفاظت از زبان‌های رایج در قانون اساسی هر کشور و همچنان پرداختن به موضوع زبان در قوانین خاص دیگر مانند «قانون حفظ، حمایت و توسعه زبان روسی» در فدراسیون روسیه، «قانون زبان دولتی» در جمهوری تاجیکستان و... است. در بُعد دیگر، گسترش زبان یک کشور به کشورهای دیگر و تلاش برای بیشتر نمودن گویشوران زبانشان در جهان نیز از دغدغه‌های دولت‌ها به شمار می‌رود. اگر به وضعیت گسترش زبان توسط کشورها نظری بیندازیم دیده می‌شود که تلاش کشورها برای توسعه و آموزش زبانشان به گویشوران زبان‌های دیگر خیلی زیاد بوده و حکایت از یک سرمایه‌گذاری کلان، زیربنایی و اساسی دارد. به‌عنوان مثال: «مؤسسه گوته» که از سال ۱۹۵۲ آغاز به فعالیت کرده با داشتن بیشتر از ۴۰۰۰ کارمند و ۱۵۸ نمایندگی در ۹۸ کشور جهان متولی گسترش زبان آلمانی در جهان است.^۲ مؤسسه «یونس امره»، «مؤسسه تومر» و «بنیاد زبان ترک» عهده‌دار آموزش و گسترش زبان ترکی در جهان است.^۳ «مؤسسه کنفوسیوس» که از سال ۲۰۰۴ آغاز به فعالیت کرده است، وظیفه‌ای گسترش زبان چینی در جهان را به‌عهده دارد.^۴ به همین ترتیب، «بنیاد روسکی میر» برای گسترش زبان روسی در جهان فعالیت می‌کند. این بنیاد طبق دستور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در سال ۲۰۰۷ تأسیس شد.^۵ موارد یادشده نشان می‌دهد که پاسداری، تقویت و گسترش زبانشان از دغدغه‌های مهم دولت‌ها در عصر حاضر است.

۲. سازمان‌های بین‌المللی و مسئله پاسداشت زبان

تلاش دولت‌ها برای پاسداشت زبان فقط به قلمرو مؤسسات ملی گسترش زبان محدود نمانده و تلاش‌های بین‌المللی در قالب نهادها و سازمان‌های بین‌المللی نیز در این راستا صورت گرفته است. از این‌رو، مسئله پاسداشت زبان به‌عنوان یکی از اهداف تعدادی از سازمان‌های بین‌المللی بوده و این سازمان‌ها در قبال حمایت و توسعه از زبان تلاش‌هایی را انجام داده‌اند.

۲.۱. سازمان‌های جهانی

سازمان‌های بین‌المللی جهانی در زمینه حفاظت و تقویت زبان‌ها با به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای گوناگون تلاش‌های زیادی نموده‌اند. تعریف زبان رسمی و زبان کاری برای سازمان، به‌رسمیت شناختن چندزبانگی، تصویب اعلامیه‌ها،

۱. کمیسیون اسلامی حقوق بشر اسلامی ایران، *حقوق اقلیت‌های زبانی*، ترجمه: محمدرضا آفتاب، ۱۳۹۲، ص ۲.

۲. <https://www.goethe.de>

۳. آدمی، علی و مهسا نوری، «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیشرو»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۹، شماره ۸۳، ۱۳۹۲، ص ۱۱.

۴. Becaard, D. S. R. and Menechelli, P. "Chinese cultural diplomacy: Instruments in china's strategy for international insertion in the 21th century", 2009. Available at <https://www.redalyc.org/journal/358/35860327006/html/>. Last Visited: 2024/03/04.

۵. <https://research.ut.ac.ir/>

قطعنامه‌ها و گزارش‌ها در زمینه حفاظت از زبان‌ها از موارد مهم تلاش سازمان‌های جهانی در زمینه پاسداری از زبان به شمار می‌روند. در اینجا کارکردهای یونسکو را که برای حفاظت از زبان‌ها تلاش‌های چشمگیری داشته به‌عنوان یک سازمان جهانی به‌طور نمونه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲.۱.۱. سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)

یونسکو به‌عنوان یکی از ارکان تخصصی ملل متحد که به هدف کمک به ایجاد صلح، ریشه‌کن کردن فقر، توسعه پایدار و گفت‌وگوی بین فرهنگی از طریق آموزش، علوم، فرهنگ، ارتباطات و اطلاعات تأسیس شده، در ترجمه و ترویج ادبیات جهان، ایجاد توافق‌نامه‌های همکاری بین‌المللی برای تأمین امنیت میراث جهانی، برای حفظ فرهنگ و حقوق بشر در سراسر جهان کمک می‌کند.^۱ این سازمان از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی به شمار می‌رود.^۲ یونسکو در راستای حمایت و حفاظت از زبان‌ها تلاش زیادی کرده است. با آنکه اقدامات و فعالیت‌های این سازمان در راستای حمایت از زبان بیشتر متمرکز به اقلیت‌های زبانی و در جهت حفاظت از زبان‌های در حال انقراض است، ولی به‌صورت عموم این تلاش‌ها برای حفظ زبان‌ها و تنوع زبانی در جهان، مهم و ارزنده است. در ماه ژوئن ۱۹۶۶ یک اجلاس تحت اشراف یونسکو در شهر بارسلون اسپانیا تشکیل شد و اعلامیه‌ای را درباره حقوق زبانی تدوین و تصویب کردند که شامل اصول عمومی در جهت تضمین حقوق مربوط به زبان است. یونسکو با اعلام خطر انقراض نیمی از زبان‌های جهان برای مقابله با بحران نابودی زبان‌ها، حمایت از تنوع زبانی، چندزبانگی، ترویج شناخت و نگهداشت بیش از ۶۰۰۰ زبان موجود در جهان به‌ویژه زبان‌های در معرض خطر و پیشگیری از بحران نابودی زبان‌ها و به دنبال آن ناپدید شدن فرهنگ‌ها در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۹۹، روز ۲۱ فوریه را روز جهانی زبان مادری نام‌گذاری کرد که از سال ۲۰۰۰ در کشورهای مختلف از آن گرامی‌داشت می‌شود.^۳ همچنان یونسکو در راستای حمایت از زبان سال ۲۰۱۹ را به نام اهمیت زبان‌های بومی در ایجاد و گسترش صلح و آرامش نام‌گذاری کرد.

۲.۲. سازمان‌های منطقه‌ای

سازمان‌های منطقه‌ای نیز در زمینه پاسداشت زبان‌های فعال بوده است و ما امروزه در جهان، شاهد ظهور انجمن‌ها و اتحادیه‌های مختلفی هستیم که براساس اشتراکات فرهنگی و زبانی شکل گرفته و همبستگی زبانی مبنای شکل‌گیری و تأسیس آنهاست.^۴ سازمان کشورهای فرانسوی‌زبان (فرانکفونی) و جامعه کشورهای پرتغالی زبان (لوزوفونی) را می‌توان به‌عنوان بارزترین نمونه‌های این طیفی از سازمان‌های منطقه‌ای به شمار آورد. فرانکفونی که متشکل از کشورهای است که زبان رسمی آنها فرانسوی بوده یا در سطح وسیعی به این زبان سخن می‌گویند با ۴۸ عضو از سراسر جهان برای ترویج و تقویت زبان فرانسوی تلاش می‌کند و در این زمینه موفقیت‌های چشمگیری دارد. تلاش‌های جامعه کشورهای پرتغالی زبان (لوزوفونی) در راستای پاسداری و تقویت زبان پرتغالی نیز موفقیت‌آمیز بوده و این سازمان توانسته تمامی هشت

۱. موسی‌زاده، رضا، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان، چاپ هفتم، ۱۳۵۸، ص ۲۱۴.

۲. صادق‌زاده وایقان، علی، نفیسه سنجی و وحید توسلی، «نقش سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی در حفاظت از مکتوبات بشری در سوریه و بررسی ضرورت تشکیل اتحادیه کتابخانه‌های دارای نسخه‌های خطی اسلامی در جهان»، *فصلنامه آرشیو ملی*، دوره ۴، شماره ۳، ۱۳۹۷، ص ۲۰۷.

۳. علی‌نژاد، سمیه، «حق بر زبان در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰.

۴. بیگ‌زاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجد، چاپ نهم، ۱۴۰۲، ص ۹۵۳.

کشور پرتغالی زبان را حول محور زبان واحد جمع کند.^۱ در اینجا، فعالیت‌های سازمان فرانکفونی در راستای حمایت از زبان فرانسوی را بررسی می‌کنیم.

۲.۳. سازمان کشورهای فرانسه زبان (فرانکفونی)

فرانکفونی سازمان تشکیل شده از مناطق فرانسوی‌زبان در سراسر جهان است. این سازمان آن دسته از کشورهایی را شامل می‌شود که تمام یا تعداد قابل توجهی از فرانسوی‌زبان‌ها در آنجا ساکن‌اند. یکی از محورهای فعالیت این سازمان ترویج زبان فرانسه و تنوع فرهنگی و زبانی است.^۲ در اجلاس‌های سالانه سران این سازمان در کنار مسائل دیگر یکی از محوری‌ترین مباحث، موضوع اعتلای جایگاه زبان فرانسه و تقویت فرهنگی و زبانی است. اولین اجلاس رؤسا (اجلاس فرانکفونی) به ابتکار رئیس‌جمهور وقت فرانسه (فرانسوا میتران) در سال ۱۹۸۶ م در ورسای برای تقویت زبان فرانسوی تشکیل شد.^۳ آموزش زبان فرانسه در مراکز منطقه‌ای یا از طریق آموزش از راه دور، یکی از سیاست‌های همکاری این سازمان در زمینه آموزش به شمار می‌رود. فعالیت فرهنگی سازمان کشورهای فرانسوی‌زبان دارای چندین بُعد است که این موارد در جهت تقویت و توسعه زبان فرانسه به شمار می‌روند:

– برنامه پشتیبانی از تولیدات شنیداری و دیداری و روزنامه و رادیوهای محلی صندوق فرانکفونی به‌منظور دسترسی سریع به اطلاعات: این برنامه از طرح‌های پشتیبانی مالی می‌کند که هدف آنان به‌کارگیری روش‌های دسترسی سریع به اطلاعات به زبان فرانسه در زمینه‌های گوناگون مربوط به جوانان و فرهنگ، آموزش، پژوهش، اقتصاد، روزنامه‌نگاری، گردشگری و هنر است.

– برنامه گسترش به‌کارگیری زبان فرانسه در سازمان‌های بین‌المللی: هدف این برنامه پشتیبانی از تنوع زبان‌ها در محافل بین‌المللی از طریق دادن آموزش به کارشناسان جوان است که وظایف بین‌المللی را برعهده دارند. هدف دیگر این برنامه ارائه کمک به کارشناسان جوان است که به زبان فرانسه صحبت می‌کنند و همچنین ایجاد امکانات ترجمه فوری به زبان فرانسه در اجلاس‌های بین‌المللی است.

فعالیت سازمان فرانکفونی در حمایت از زبان فرانسوی بسیار چشمگیر بوده و این سازمان در انسجام کشورهای فرانسه زبان برای پاسداری و تقویت این زبان مؤثر عمل کرده است.^۴

۳. وضعیت زبان فارسی در کشورهای فارسی‌زبان

زبان فارسی که به‌عنوان زبان دوم دین در کشورهای اسلامی^۵ خوانده می‌شود، زبان رسمی ایران، زبان رسمی تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان بوده و در کشورهای زیادی مانند ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، بحرین،

1. Sanches, E. R. "The Community of Portuguese Language Speaking Countries: The Role of Language in a Globalizing World", *Atlantic Future Scientific Paper*, 2014, P 15.

2. Glasze, G. "The Discursive Constitution of a World-Spanning Region and the Role of Empty Signifiers: The Case of Francophonie", *Geopolitics*, Volume 12, Issue 4, 2007, P 657.

۳. همان، ص ۹۵۵.

4. Weinstein, B. "Francophonie: a language-based movement in world politics", *International Organization*, Volume 30, Issue 3, 1976, PP 3-4.

۵. یسنا، محمد یعقوب، «جایگاه زبان پارسی در افغانستان»، *فصلنامه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۲۰، شماره ۴۰، ۱۳۹۸، ص ۱۸۳.

هند، پاکستان، عراق و... نیز گویشوران بومی دارد.^۱ زبان فارسی در گذشته‌ها از شکوه و گستره وسیعی برخوردار بوده و سال‌های متمادی به‌عنوان یکی از عوامل پیونددهنده نژادهای مختلف در حوزه تمدنی زبان فارسی (که شامل ایران، افغانستان، آسیای میانه، قفقاز، شبه‌قاره هند، تبت، شرق چین، آسیای صغیر و بالکان، شامات قدیم و بخش‌های از عراق می‌شود) محسوب می‌شد.^۲ برای اینکه تشکیل سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی را امکان‌سنجی کنیم، ابتدا لازم است بدانیم وضعیت این زبان را در کشورهای فارسی‌زبان چگونه است؟

۱.۳. فارسی در تاجیکستان

تاجیکستان از جمله سرزمین‌های است که محل شکل‌گرفتن و گسترش اولیه زبان فارسی است. در دوره سامانیان، ماوراءالنهر (تاجیکستان و ازبکستان کنونی) و شمال افغانستان کنونی مرکز زبان و ادب فارسی بوده است.^۳ سامانیان که در حفظ و گسترش زبان فارسی نقش مؤثری داشتند، مهم‌ترین دولت در آسیای مرکزی بعد از تسلط اسلام بودند و در منطقه‌ای حکومت کردند که اکنون تاجیکستان نامیده می‌شود.

در زمان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که تاجیکستان یکی از پانزده جمهوری آن به شمار می‌رفت، در ماه فوریه ۱۹۸۹ شماری از روشنفکران و دانشجویان تاجیک به هدف رسمیت یافتن زبانشان راهپیمایی کردند. حکومت وقت تاجیکستان این مطالبه را پذیرفت و در ماه ژوئیه همان سال قانون زبان در شورای عالی تصویب شد و «تاجیکی-فارسی» به‌عنوان نام رسمی زبان دولتی قانونی شد. به‌این ترتیب، نخستین قانون زبان در تاجیکستان به تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۹ از طرف شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی تاجیکستان پذیرفته شد و زبان ملی تاجیکان در اتحاد شوروی رسمیت یافت. تاجیک‌ها موفق شدند نه‌فقط زبان ملی خود را رسمی کنند، بلکه هم توانستند نام اصیل و تاریخی آن (فارسی) را برقرار و در قانون زبان ثبت کنند. زبان رسمی، از آن به بعد «تاجیکی - فارسی» نام گرفت و برای گذار از خط سیریلیک به فارسی مهلت مقرر شد. اما باگذشت سه دهه تاجیکستان نتوانست به خط فارسی برگردد و در سال ۱۹۹۴، وقتی که تاجیکستان سومین سال استقلال خود از کرملین را تجلیل می‌کرد، از متن لایحه نخستین قانون اساسی که به همه‌پرسی مردمی گذاشته شد، واژه «فارسی» از توصیف نام زبان دولتی حذف شد. قانون اساسی ۱۳۵۷ تاجیکستان در رابطه به زبان رسمی این کشور چنین صراحت دارد: «زبان رسمی کشور تاجیکستان تاجیکی است...».^۴

قانون جدید زبان دولتی در تاجیکستان در پنجم اکتبر ۲۰۰۹ تصویب شد. هنگام بررسی این قانون در مجلس، پیشنهاد برخی از نماینده‌های مجلس، مبنی بر فارسی‌نامیدن زبان رسمی و تعیین تاریخ بازگشت قانونی به الفبای فارسی رد شد و همچنان باوجود مخالفت‌های گسترده در میان فرهنگیان و مخالفان سیاسی حکومت مبنی بر «تاجیکی» خواندن این زبان و تداوم «الفبای سیریلیک»، هنوز هم این زبان تاجیکی خوانده می‌شود و خط این کشور سیریلیک باقیمانده است. در کنار سایر نابسامانی‌ها در حوزه زبان و فرهنگ، الفبای سیریلیک و جدا انگاری زبان فارسی از تاجیکی جدی‌ترین مشکلات این زبان در این بخش از جغرافیای زبان فارسی به شمار می‌رود؛ با الفبای سیریلیک مردم تاجیکستان از

۱. سیدان، مریم، «چند پیشنهاد سیاستی در حوزه زبان فارسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۳۹۵، ص ۲۱۴.

۲. خدایار، ابراهیم، «موانع و راهکارهای خط، زبان و ادب فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک با ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۳۹۷، ص ۵.

۳. کاظمی، محمدکاظم، *این قند پارسی: فارسی دری در افغانستان امروز*، تهران: عرفان، ۱۳۸۹، ص ۱۹.

۴. قانون اساسی جمهوری تاجیکستان، مصوب ۱۳۵۷، ماده ۲.

دستاوردهای جهانی فارسی‌زبانان استفاده کرده نمی‌توانند و رابطه‌شان با گذشته تاریخی و فرهنگی حوزه تمدنی زبان فارسی قطع شده، نه فقط که مردم عام، بلکه دانشمندان جوان تاجیک هم نمی‌توانند به آثار گذشته فارسی دسترسی داشته باشند و به همین شکل جهان صدمیلیونی فارسی‌زبان نمی‌توانند به آثار و نوشته‌های نویسندگان و فرهنگیان تاجیکستانی دسترسی داشته باشند. همچنین تأثیر زبان روسی بر زبان «فارسی-تاجیکی» و وام‌گیری زیاد واژگان از زبان روسی فاصله میان زبان «تاجیکی-فارسی» و اصالت این زبان را بیشتر کرده است.

هرچند ملی‌گرایی تاجیکی در رابطه به حفظ فرهنگ تاجیکان و تشکیل یک واحد سیاسی با زبان رسمی فارسی، تأسیس آکادمی علم‌های تاجیکستان و انستیتوی زبان و ادبیات رودکی، نام‌گذاری اماکن به زبان فارسی، نشر آثار علمی و برگزاری جشن‌ها و برنامه‌های گوناگون فرهنگی برای پاسداری از ارزش‌های فرهنگی حوزه تمدنی زبان فارسی توسط دولت تاجیکستان درخور توجه است و نقش این کشور را در حفظ زبان فارسی برجسته می‌کند؛ ولی با توجه به برخی عوامل سیاسی و مذهبی نقش این کشور در گسترش زبان فارسی و پیوند زدن میان جوامع فارسی‌زبان قابل توجه نبوده و حتی در مواردی سیاست‌های حاکمان این کشور (از جمله حذف واژه «فارسی» از نام زبان دولتی این کشور و مخالفت با برگشت به خط فارسی) سبب واگرایی و فاصله میان جوامع فارسی‌زبان و مانع گسترش و تقویت زبان فارسی شده و نقش تاجیکستان در گسترش زبان فارسی در جهان را کم‌رنگ کرده است.

۳.۲. فارسی در افغانستان

افغانستان کنونی نیز یکی از سرزمین‌های اصلی شکل‌گیری و گسترش اولیه زبان فارسی به حساب می‌آید. در گذشته این کشور جزو خراسان قدیم به شمار می‌رفت. خراسان منطقه‌ای وسیعی بود که شامل بخش‌هایی از افغانستان، آسیای میانه و ایران می‌شد. بلخ، هرات، مرو و نیشابور چهار شهر بزرگ خراسان قدیم دانسته می‌شوند که از کانون‌های اصلی تمدن‌های فارسی‌زبان بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که زبان فارسی در همان بدو پیدایش، بیشترین رواج را در نواحی شمالی و غربی افغانستان کنونی داشته است.^۱

زبان فارسی در افغانستان زبان مشترک اقوام ساکن در این کشور بوده و با محاسبه جمعیت تاجیک‌ها و هزاره‌ها، زبان فارسی بزرگ‌ترین زبان این کشور به شمار رفته و به‌عنوان «زبان میانجی» در میان گویشوران سایر زبان‌ها به کار گرفته می‌شود. ولی در چند دهه اخیر در افغانستان تلاش شده تا از جایگاه آن کاسته شود. این مسئله به‌خوبی در مواد مربوط به زبان در قوانین اساسی افغانستان دیده می‌شود؛^۲ با مطالعه قوانین اساسی افغانستان درمی‌یابیم که در مراحل مختلف تلاش شده تا به‌نحوی از انجا با این زبان برخورد گزینشی و سیاسی صورت گیرد. به‌گونه مثال، از یک‌سو نام این زبان را از «فارسی» به «دری»^۳ تغییر دادند و از سوی دیگر در متن برخی قوانین اساسی در کنار رسمیت زبان‌های فارسی و پشتو زبان پشتو را «ملی»^۴ قلمداد کرده‌اند.

زبان فارسی در افغانستان تا دوره نادر خان (۱۹۲۹-۱۹۳۳م) یگانه زبان رسمی و اداری کشور بود. در گذشته همه حاکمان این کشور به زبان فارسی تکلم می‌کردند و هیچ بدبینی و سیاست حذف یا تضعیفی در قبال این زبان مطرح

۱. کاظمی، پیشین، ص ۲۰.

۲. امینی، رضا، «چالش‌های امروز زبان فارسی»، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۱۳۹۶، ص ۱۷.

۳. قانون اساسی افغانستان، وزارت عدلیه، مصوب ۱۳۴۳، ماده ۳.

۴. همان، ماده ۳۵.

نمود. اما آهسته‌آهسته برنامه‌هایی برای تعریف رقیب برای این زبان در ابتدا و بعداً برنامه‌های برای جایگزینی و حذف آن روی کار آمد.^۱ توضیح اینکه، از زمان شکل‌گیری حکومت مستقل در افغانستان تاکنون، زبان فارسی در افغانستان چهار مرحله را پشت سر گذاشته است.

دوره اول، از آغاز تشکیل حکومت به دست احمدشاه ابدالی (۱۱۲۵ ش/۱۷۴۷م) تا به قدرت رسیدن نادرخان محمد زایی (۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹م) را شامل می‌شود؛ در این دوره زبان فارسی، زبان رسمی و «میانجی» افغانستان بود و هیچ‌گونه تلاشی برای کنار زدن این زبان از رسمیات و دیوان داری صورت نگرفت، بلکه تلاش‌هایی برای رشد و گسترش زبان پشتو صورت گرفت.

دوره دوم که از حکومت‌داری نادر خان (۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹م) شروع شد و تا سقوط حکومت محمد داوود (۱۳۵۷ ش/۱۹۷۸م) ادامه یافت، دوره ستیزه با فارسی و تلاش برای حذف این زبان خوانده می‌شود. اجبار مردم به یادگیری زبان پشتو، اجبار مردم به نوشتن درخواست‌هایشان به زبان پشتو، ملزم شدن کارمندان دولت به یادگیری زبان پشتو، تغییر متون درسی مکاتب/مدارس از فارسی به پشتو، آتش زدن هزاران نسخه خطی و تاریخی که به زبان فارسی بودند، تغییر نام زبان از فارسی به دری و تحمیل آن بر ادبیات سیاسی و اداری کشور و تلاش برای جلوگیری از رسمیت یافتن آن در قانون اساسی مهم‌ترین سیاست‌ها و اقداماتی بود که در ستیز با فارسی و به‌منظور کنار گذاشتن و حذف آن از دیوان داری و رسمیات در این کشور صورت گرفت. در این میان، دهه چهل، اوج ملی‌گرایی و پشتون‌گرایی در نظام حاکم افغانستان بود؛^۲ تلاش برای جلوگیری از رسمی‌شدن فارسی و تغییر نام این زبان از فارسی به دری در قانون اساسی (۱۳۴۳ ش/۱۹۶۴م) از کارهای مهمی بود که در راستای تضعیف و کنار زدن زبان فارسی در این دهه صورت گرفت. اما فارسی همچنان زبان مشترک مردم افغانستان و یکی از زبان‌های رسمی این کشور باقی ماند.^۳

دوره سوم از کودتای کمونیستی آغاز تا سقوط طالبان اول (۱۳۸۲ ش) دوام کرد. در این دوره زبان فارسی در وضعیتی یکسانی قرار نداشته است. چون بعد از سقوط داوود خان رژیم کمونیستی در افغانستان حاکم شد و حاکمان کمونیست از یک سو بیشتر از زبان به ایدئولوژی مارکسیستی خود وفادار بودند و از سویی هم وضعیت طوری آمد که حاکمیت از انحصار پشتون‌ها خارج شد و بعد از یک مدت طولانی در رده‌های نخست حاکمیت غیر پشتون‌ها هم حضور یافتند. این دو دلیل باعث شد که دیگر برای حذف فارسی از رسمیات کشور تلاشی صورت نگرفت. با پایان یافتن دوره کمونیست‌ها مجاهدین به قدرت رسیدند. در این دوره هرچند توجه ویژه‌ای به زبان فارسی صورت نگرفت، فضا به نفع این زبان بود؛ سرود ملی کشور به زبان فارسی بود، فارسی مانند گذشته زبان مقامات عالی‌رتبه دولتی و زبان اداری و دیوان داری بود. در زمان حکمرانی طالبان اول با توجه به آنکه بدنه اصلی حکومت را پشتون‌ها تشکیل می‌دادند، در یک سیاست اعلان نشده صحنه برای زبان فارسی در مکاتبات اداری تنگ شد و زبان پشتو بیشتر عمومیت پیدا کرد.^۴

دوره چهارم، از شکل‌گیری نظام جدید در افغانستان پس از اجلاس بن (۲۰۰۱ م/۱۳۸۲ ش) آغاز و تا سقوط حکومت اشرف غنی (۲۰۲۱ م/۱۴۰۱ ش) را شامل می‌شود. در این دوره زبان فارسی با آنکه در قانون اساسی به‌عنوان یکی از زبان‌های

۱. یسنا، پیشین، ص ۱۹۶.

۲. کاظمی، محمد کاظم، *هم‌زبانی و بی‌زبانی*، تهران: عرفان، چاپ سوم، ۱۳۹۰، ص ۶۹.

۳. یسنا، پیشین، ص ۲۰۲.

۴. قدسی، فضل‌الله، «جایگاه زبان فارسی در افغانستان پس از تأسیس حکومت مستقل»، *فصلنامه نامه فرهنگستان*، شماره ۲۶، ۱۳۸۴، صص

رسمی^۱ کشور به شمار می‌رفت و در نظام آموزشی، رسانه‌ها و نشریات و آثار علمی و فرهنگی نقش برجسته داشت، با ستیزه هم مواجه بود. این ستیزه‌جویی در برابر فارسی تحت پوشش همان تفکیک میان فارسی و دری و برجسته کردن این روایت که «فارسی‌زبان ایران و دری زبان افغانستان است» اجرایی می‌شد. چنان‌که برخی از خبرنگاران به‌خاطر کاربرد واژه‌های فارسی از کار برکنار یا جریمه شدند، احکام حکومتی مبنی بر استفاده از «ادبیات اصیل افغانی» که مراد همان جلوگیری از واژه‌های فارسی بود، صادر شد. «اداره احصائیه مرکزی» در یک اقدام زبان فارسی را در زمره زبان‌های خارجی شامل کرد که با مخالفت جدی فارسی‌زبانان روبه‌رو شد. قانون تحصیلات عالی به‌خاطر به‌کارگیری برخی واژه‌های فارسی مانند «دانشگاه» و «دانشکده» برای سال‌ها در شورای ملی تصویب نشد و با نصب سردر دانشگاه‌ها به‌خاطر کاربرد واژه‌های فارسی از جانب مسئولان حکومتی مخالفت صورت گرفت؛ ولی باین‌همه، چون آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان در چارچوب قانون اساسی تضمین شده بود، فرهنگیان و اهل رسانه خارج از چارچوب رسمیات دولتی تلاش زیاد کردند تا با این موانع و محدودیت‌ها کنار نیایند و مبارزه کنند.

حضور چشمگیر مؤسسات خارجی در افغانستان در این دوره نیز بر زبان فارسی تأثیر منفی گذاشت. در این دفا تر مهم‌ترین شرط استخدام زبان انگلیسی بود و دیوان‌داری و مکاتباتشان هم به زبان انگلیسی بود. از سویی هم فناوری‌های جدید در افغانستان هم در وضعیتی که هیچ نهادی برای واژه‌سازی در این کشور فعال نیست، بسیار واژگان خارجی را وارد این زبان کرده و هیچ برنامه‌ای برای مدیریت آن وجود نداشته است.^۲

خلاصه می‌توان گفت: با آنکه افغانستان مهد زبان فارسی به شمار می‌رود و مشاهیر بزرگ این زبان در این خطه پرورش یافته و فرهنگیان این کشور در حفظ و تقویت این زبان نقش برانده‌ای داشته‌اند؛ ولی حکومت‌ها در طول سالیان متمادی در این کشور برای گسترش، تقویت و حمایت از زبان فارسی هیچ تلاش و اقدامی نکرده و همواره این زبان با بی‌مهری و بی‌توجهی حاکمیت‌ها مواجه بوده و در بروز شدن و توسعه این زبان کاری صورت نگرفته است.

باتوجه به وضعیت پیش‌آمده در افغانستان (سقوط نظام جمهوری و حاکمیت دوباره طالبان) زبان فارسی یک بار دیگر با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده و روند تضعیف و کنارگذاشتن را بیشتر از پیش می‌پیماید. اقداماتی مانند پایین آوردن سدرهایی که به فارسی نگاشته شده بودند، کنارگذاشتن زبان فارسی از دیوان‌داری و سخنرانی تک‌زبانه (صرف پشتو) مقامات عالی‌رتبه دولتی و... به‌خوبی می‌تواند وضعیت ناگوار زبان فارسی را در این کشور بازگو کند. ولی با آن هم روحیه پاسداری از زبان فارسی در میان فرهنگیان و نخبگان فارسی‌زبان این کشور زنده بوده و تلاش‌ها برای مقابله با وضعیت پیش‌آمده بیشتر از پیش شدت گرفته است. راه‌اندازی انجمن‌ها، نهادها، مجله‌ها، پایگاه‌های اینترنتی و برگزاری همایش‌ها با محوریت زبان فارسی و ضرورت پاسداری از آن در دو سال گذشته بیشتر شده است. تأسیس کانون همبازی پارسی‌زبانان، مجله پارسی بان، انجمن پارسیان، مؤسسه فرهنگی خانه مولانا، کنگره جهانی پارسی‌گویان و... از نمونه‌های بارز تلاش فرهنگیان افغانستانی در سالیان پسین است که با برگزاری برنامه‌های علمی و فرهنگی در راستای پاسداری از زبان فارسی تلاش می‌کنند.

۳.۳. فارسی در ایران

ایران بزرگ‌ترین کشور فارسی‌زبان جهان است. زبان فارسی از روزگار قدیم زبان مشترک مردم ایران بوده و در کنار شعر

۱. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲، ماده ۱۶.

۲. کاظمی، پیشین، صص ۷۲-۷۳.

و ادب، زبان دیوان‌داری و مکاتبات اداری نیز بوده و مشاهیر و مفاخر بزرگ زبان و ادب فارسی در این کشور پرورش یافته است.^۱

امروزه، زبان فارسی یگانه زبان رسمی ایران و زبان مشترک تمام ساکنان این کشور است. همچنین زبان فارسی‌زبان آموزش، رسانه و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی این کشور است.^۲ زبان فارسی پیش از اینکه ایران دارای قانون اساسی شود نیز زبان مشترک مردم ایران بوده؛ یعنی زبان ارتباط و تعامل گویشوران زبان‌های مختلف مردم ایران بوده است. فارسی، زبان نگارش نامه‌ها و اسناد رسمی در داخل این کشور و زبان نوشتن عهدنامه‌هایی بوده که بین حکومت‌های وقت ایران با کشورهای دیگر منعقد شده است؛ برای نمونه، عهدنامه‌های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) که چند دهه پیش از انقلاب مشروطه میان ایران و روسیه منعقد شده، به زبان فارسی است.^۳

ایران در حفاظت و گسترش زبان فارسی نقش برجسته‌ای داشته و حتی در دوران معاصر این کشور را می‌توان یگانه پاسدار زبان فارسی خواند. یکی از تحولات مهم در حوزه زبان فارسی تأسیس فرهنگستان ایران در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی است. این فرهنگستان زبان فارسی را از آمیختگی‌های غیرضروری با زبان‌های دیگر تا حدود زیادی رهایی بخشید و روزنه‌ای جدیدی برای پاسداری این زبان گشود. فرهنگستان در شتاب بخشیدن به گرایش زبان فارسی به سوی سادگی و دقت و زنده کردن سرمایه کهن آن و همچنین آماده کردن آن برای گرفتن و جذب کردن مفاهیم و نام‌های علمی و فنی از زبان‌های اروپایی نقشی برجسته‌ای داشته است.^۴

یکی از مهم‌ترین کارهایی، که ایران در راستای گسترش زبان فارسی انجام داده است، برنامه‌هایی است که برای گسترش زبان فارسی در جهان دارد. یکی از این برنامه تأسیس نهادی به نام «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی» در سال ۱۳۶۶ بود که وظیفه امور علمی، تحقیقی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درباره آموزش زبان و ادبیات فارسی به غیرفارسی‌زبانان جهان را بر عهده داشت.^۵ این نهاد تا سال ۱۳۹۲ در راستای گسترش زبان فارسی فعالیت می‌کرد و در سال ۱۳۹۲ با «بنیاد سعدی» مدغم شد. بنیاد سعدی در سال ۱۳۸۹ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌منظور تقویت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران و ایجاد تمرکز، هم‌افزایی و انسجام در فعالیت‌های مرتبط با این حوزه و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های موجود در این کشور تأسیس شد تا براساس اهداف، سیاست‌ها، راهبردها و ضوابط حاکم بر روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت راهبردی و اجرای فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و رسانه‌ای را در حوزه گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران با هماهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی عهده‌دار شود.^۶

ایران همچنان در عرصه واردکردن زبان فارسی در اینترنت، رایانه، فناوری و فضاهای ارتباطی نوین نقش برجسته‌ای ایفا کرده که طراحی نرم‌افزارهای نوشتن فارسی با رایانه، ویراستاری و تلاش برای امکان‌پذیر کردن استفاده از زبان فارسی در نشانی پایگاه‌ها و پست الکترونیکی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. با آنکه تلاش‌ها و برنامه‌های ایران برای پاسداشت زبان فارسی درخور توجه بوده، ولی در زمینه همکاری میان کشورهای فارسی‌زبان برای پاسداری و گسترش زبان فارسی

۱. فوزی و نعیمی برچلوی، پیشین، ص ۱.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، اصل ۱۵.

۳. امینی، پیشین، ص ۱۲.

۴. آشوری، داریوش، *بازاندیشی زبان فارسی: ده مقاله*، تهران: مرکز، چاپ هشتم، ۱۳۹۶، ص ۴۵.

۵. اساسنامه شورای گسترش زبان فارسی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب صد و چهلمین جلسه مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۷، ماده ۱.

۶. اساسنامه بنیاد سعدی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوب جلسه ۶۷۳، مورخ ۱۳۹۸/۸/۴، ماده ۱.

توفیقات چندانی نداشته است.

۴. ضرورت تشکیل سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی

بررسی وضعیت کنونی زبان فارسی بیان‌کننده نبود همکاری میان کشورهای فارسی‌زبان در زمینه پاسداشت زبان فارسی و مشکلات عدیده‌ای ناشی از این ناهماهنگی است؛ لذا در این جستار به زمینه‌ها و ظرفیت‌های تشکیل سازمان بین‌الدولی برای پاسداشت زبان فارسی، مبنای تئوریک، اهداف، ساختار و کارکردهای که از آن انتظار می‌رود می‌پردازیم.

۴.۱. زمینه‌ها و ضرورت تأسیس

عناصر هویتی و فرهنگی در جهان معاصر، از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده مناسبات کنشگران بین‌المللی است. مشترکات فرهنگی به‌عنوان اساسی‌ترین زمینه تحکیم پیوندها میان کشورهای فارسی‌زبان محسوب می‌شود؛ زیرا ریشه‌های تاریخی یکسان، زبان مشترک و دین واحد در کنار تشابه سنت‌ها، آیین‌ها و باورهای اجتماعی ملی و محلی، شرایط بی‌بدیلی را برای توسعه بیش‌ازپیش مناسبات فرهنگی میان این کشورها فراهم می‌کند.

زبان فارسی مهم‌ترین ابزار برای بسیج و سازمان‌دهی و مهم‌ترین دلیل برای همبستگی بین کشورهای فارسی‌زبان و یکی از راه‌های رهایی از واگرایی میان این کشورها بوده و سبب تعامل روزافزون آنها خواهد شد. از نقطه‌نظر تاریخی، سرزمینی که در آن این سه کشور فارسی‌زبان واقع‌اند، «ایران فرهنگی» خوانده می‌شود و مردم این سه کشور تاریخ، زبان، ادبیات و فرهنگ مشترک دارند و اسلام نیز در پیوند مردمان این منطقه نقش اساسی را ایفا می‌کند. برجسته‌ترین ظرفیت در برقراری روابط و ایجاد همگرایی منطقه‌ای این کشورها پیوند تاریخی آنان گفته می‌شود که مبتنی بر زبان است.^۱ پژوهشگران موارد زیر را به‌عنوان عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری و قلمروسازی زبانی برای زبان فارسی دانسته و بر لزوم استفاده از آنها برای همگرایی کشورهای فارسی‌زبان تأکید می‌کنند.

- ریشه‌های تاریخی، پیشینه عمیق و نفوذ فرهنگی زبان فارسی در منطقه؛

- قابلیت‌های ادبی جهانی زبان فارسی و جمعیت قابل‌ملاحظه گویشوران این زبان در منطقه؛

- نبود یا حداقل کم‌بودن حساسیت‌های سیاسی در باره زبان و قلمرو زبانی؛

- اشتراکات دینی؛

- موقعیت جغرافیایی کشورهای فارسی‌زبان.^۲

ولی کشورهای فارسی‌زبان با وجود آنکه اشتراکات زیادی دارند، تا اکنون اقدام مشترکی را در زمینه حفظ میراث مشترک فرهنگی‌شان (زبان فارسی) انجام نداده‌اند و در اثر غفلت و بی‌توجهی حکومت‌ها به مسئله زبان فارسی و نگاه کم‌رنگ به عناصر فرهنگی مشترک این امر مورد بی‌مهری قرار گرفته است. اگر نهادها و روندهای منطقه‌ای و فراملی شکل‌نگیرد، به این مهم رسیدگی نخواهد شد و با مرور هر روز این زبان بیشتر تضعیف شده و امکان حذف شدن و از میان رفتن آن در بخش‌های زیادی از جغرافیای این زبان بیشتر خواهد شد.

با نظر داشت اینکه امروزه در جهان سازمان‌ها و نهادهای زیادی براساس اشتراکات فرهنگی، زبانی، هویتی و تاریخی

^۱. حاجیان، پیشین، ص ۹۸.

^۲. متقی، افشین، حسین ربیعی، مراد کاویانی راد و حسن یعقوب نیا، «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری کلان‌ج.ا. ایران با قلمروسازی زبان در کشورهای فارسی‌زبان منطقه، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۹۸، ص ۱۳.

تأسیس شده و در کنار عوامل دیگر، نقش زبان و فرهنگ در شکل‌گیری این سازمان‌ها و نهادها برجسته است، کشورهای فارسی‌زبان هم پیش‌نیازهای اساسی را برای اساس‌گذاری یک سازمان فرهنگی منطقه‌ای برای حمایت از زبان فارسی دارند.^۱ باتوجه‌به وضعیت کنونی زبان فارسی و با عنایت به هشدارها و نگرانی‌هایی که از جانب پژوهشگران حوزه زبان و ادبیات فارسی در ارتباط به وضعیت زبان فارسی مطرح شده است^۲ و با نظرداشت زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و هویتی مشترک میان کشورهای فارسی‌زبان (افغانستان، ایران و تاجیکستان) لازم است تا کشورهای متذکره ابتکار عمل را به دست گیرند و با همسویی و همکاری کشورهای که گویشوران قابل‌ملاحظه‌ای از این زبان در آنها زیست می‌کنند یا در گذشته آن کشورها جغرافیای زبان فارسی به شمار می‌رفتند (مانند ازبکستان، پاکستان، هند و...)، زمینه را برای تأسیس یک سازمان منطقه‌ای فراهم آورند.

۴.۲. مبنای تئوریک

در روابط میان دولت‌ها نمی‌توان انتظار داشت که الگوی روابط صرفاً براساس سیاست قدرت و امنیت یا بر مبنای وابستگی متقابل و همکاری‌های اقتصادی صورت گیرد و به فرهنگ و تعاملات فرهنگی بهایی داده نشود؛ به مفاهیم دیگری مانند «فرهنگ» نیاز است تا بتوان مسائل سیاسی بین‌المللی را تحلیل کرد.^۳ در مورد شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است که هر یک از آنها با استناد به چارچوب‌های نظری رئالیسم، سازه‌انگاری و لیبرالیسم به‌عنوان سه مکتب اصلی سازمان‌های بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هر یکی از این مکاتب فرایند شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی را به گونه‌های متفاوت و نتیجه‌گیری متفاوت تبیین می‌کند. به‌لحاظ تحلیل نظری، در این پژوهش از رویکرد فالکر ریتبرگر^۴ استمداد می‌جوییم. چون، این رویکرد عام بوده و بدون نظر داشت مؤلفه‌های نوع عضویت، قلمرو جغرافیایی، دولتی یا غیردولتی بودن و... همه سازمان‌های بین‌المللی را تبیین می‌کند. ریتبرگر در مورد شکل‌گیری و تکوین سازمان‌های بین‌المللی سه موقعیت را مطرح می‌کند:

موقعیت همژمونیک که براساس آن سازمان‌های بین‌المللی برای تأمین منافع قدرت مسلط شکل می‌گیرد و این دولت همژمون است که سازمان بین‌المللی را ایجاد می‌کند تا منافع و ارزش‌های خود را در سطح منطقه و نظام بین‌الملل حفظ کند.

موقعیت دوم، رویکرد مسئله‌محور است که شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی را ناشی از همکاری کشورها برای حل مشکلات مشترک می‌داند.

موقعیت سوم، رویکرد شناختی است که بر انگاره‌ها و اندیشه‌های مشترک تأکید می‌کند و شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی را وابسته به موجودیت ارزش‌ها و هنجارهای مشترک می‌داند.^۵

در اینجا، چگونگی کاربست موقعیت‌های سه‌گانه ریتبرگر را در شکل‌گیری سازمان میان دولتی برای پاسداشت زبان

۱. بهمنی، تورج، «عوامل و موانع توسعه روابط سیاسی / اقتصادی ایران و کشورهای فارسی‌زبان (تاجیکستان و افغانستان) در هزاره جدید»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۸، ص ۴.

۲. امینی، پیشین، ص ۱۱.

۳. Khodaverdi, Hassan and Yousef Shah-Mohammadi. "The Role of Culture in International Relations Theories", *International Journal of Political Science*, Volume 7, Issue 3, 2017, P 49.

۴. Volker Rittberger.

۵. رنجکش، محمدجواد، «کاربست نظریه فالکر ریتبرگر در فرایند شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی موردپژوهی؛ سازمان همکاری‌های شانگهای»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، دوره ۳، شماره ۴، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰.

فارسی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴.۲.۱. موقعیت هژمونیک

واقع‌گرایان معتقدند که در سازمان منطقه‌ای یا بین‌المللی کشورهای قدرتمندی وجود دارد که سازمان بر محور منافع آنها می‌چرخد و این قدرت‌ها هزینه‌های سازمان را بر سایر اعضا کاهش می‌دهند.^۱ در مورد کشورهای فارسی‌زبان، هرچند مشکل است که دولت هژمون معرفی کرد، ولی با تسامح می‌توان نقش ایران را به‌عنوان کشوری که ترویج زبان فارسی را جزو سیاست‌های کلی نظام^۲ دانسته و گسترش زبان فارسی بخش عمده سیاست فرهنگی آن را شامل می‌شود، برجسته دانست و تلاش این کشور برای تشکیل چنین سازمانی را مؤثرتر ارزیابی کرد.

۴.۲.۲. موقعیت مسئله‌محور

در این رویکرد به مسائل و دغدغه‌های کشورهای تشکیل‌دهنده یک سازمان پرداخته می‌شود. از منظر این رویکرد، در سیاست بین‌الملل منافع ناشی از معاهدات میان دولت‌های مختلف نه کاملاً متقابل و نه هم کاملاً هماهنگ است. بلکه سیاست بین‌المللی در منافع تجمیع شده قرار دارد که در آن دولت‌ها از منفعت مشترکی برای به‌دست آوردن منافع مشترک یا جلوگیری از شکست مشترک برخوردارند.^۳ یکسان‌سازی نام و الفبای زبان، تلاش مشترک برای گسترش آن، مبارزه با تهاجم سایر زبان‌ها بر زبان فارسی، معرفی زبان معیار و احیای زبان فارسی در جغرافیای تاریخی این زبان به‌عنوان عمده‌ترین مسائل کشورهای فارسی‌زبان در زمینه زبان فارسی به شمار می‌روند.

امروزه در تاجیکستان با آنکه گذار از سیریلیک و برگشت به الفبای فارسی از دغدغه‌های کلان به شمار می‌رود، ولی دولت مشکلات اقتصادی را عمده‌ترین مانع رسیدن به این هدف می‌گوید. ازسویی هم نخبگان زبان و ادب فارسی در هر سه کشور فارسی‌زبان سه نامه بودن این زبان را چالشی بزرگ می‌دانند و بر یکسان‌سازی نام و خط این زبان تأکید می‌ورزند. ولی حاکمیت‌ها به دلایل گوناگون به این خواسته تمکین نکرده و یک‌زبان را در سه کشور به سه نام فارسی، دری و تاجیکی نام‌گذاری کرده‌اند. از سویی هم بخش‌های از جغرافیای زبان فارسی (سمرقند و بخارا) که میلیون‌ها فارسی‌زبان بومی در آنجا زیست می‌نمایند، به‌دلیل تفاوت الفبا و محدود بودن دسترسی‌شان به آموزش زبان مادری رابطه‌شان با گنجینه‌ای عظیم زبان و ادب فارسی قطع بوده و هیچ برنامه‌ای جامع و مشترک از طرف کشورهای فارسی‌زبان برای احیا و تقویت زبان فارسی در این سرزمین‌ها دیده نمی‌شود.

مسائل یاد شده و بسا موضوعات مهم دیگر، که اختصاص به یک کشور ندارد، به همکاری مشترک و سازوکارهای منطقه‌ای نیاز دارد و می‌تواند موضوع همکاری میان کشورها و مبنای شکل‌گیری یک سازمان میان دولتی شود.

۴.۲.۳. موقعیت شناختی

رویکرد شناختی به مسئله تشکیل سازمان‌های بین‌المللی را لیبرالیست‌های هنجارگرا یا همان سازه‌انگاران مطرح می‌کنند. از نظر سازه‌انگاران شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی به وجود ارزش‌ها و هنجارها (تاریخ مشترک، مذهب یکسان، زبان

^۱. همان، ص ۱۵۴.

^۲. سیاست‌های کلی نظام، مصوب ۷۶/۱۰/۱۳.

^۳. Keohane, R. O. *After Hegemony: Cooperation and Discord in the world political economy*, New Jersey: Princeton Univ Press, 2005, P 54.

مشابه و هویت مشترک) وابسته است.^۱ سازمان‌های بین‌المللی زمانی ایجاد می‌شوند که ارزش‌ها و هنجارهای مشترک میان کشورهای ایجادکننده زیاد باشد و ارزش‌های مشترک احساس مشترک را میان آنها برقرار کند. باتوجه به مشترکات تاریخی، فرهنگی، دینی و هویتی، که کشورهای فارسی‌زبان دارند، شکل‌گیری سازمان میان‌دولتی با محوریت این کشورها و عضویت کشورهایی که جمعیت قابل‌ملاحظه‌ای فارسی‌زبان را در خود جا داده است، ممکن بوده و این کشورها با استفاده از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی و الهام از سازمان‌های که براساس همبستگی زبانی تأسیس شده می‌توانند سازمانی را با مساحتی نزدیک به ۲۴۲۱۳۷۰ کیلومتر و بیش از ۱۰۰ میلیون جمعیت شکل دهند که یکی از سازمان‌های مهم فرهنگی منطقه و پشتوانه‌های مهم و حیاتی برای حمایت، تقویت و گسترش زبان فارسی باشد. هرچند هر سه موقعیت موردنظر ریتبرگر در شکل‌گیری سازمان میان‌دولتی برای پاسداشت زبان فارسی می‌تواند صدق کند؛ اما تأثیرگذاری هریک از این سه موقعیت یکسان نیست؛ رویکرد شناختی بیشترین تأثیر را دارد و رویکرد مسئله‌محور نسبت به رویکرد هژمونیک تأثیر بیشتری دارد.

۴.۳. اهداف و ساختار

تشکیل سازمان میان‌دولتی برای پاسداشت زبان فارسی فرصت مناسبی را در اختیار کشورهای فارسی‌زبان قرار خواهد داد تا با استفاده از کانون‌های قدرت نرم خود در منطقه به پاسداری و گسترش این زبان - که در واقع میراث مشترک فارسی‌زبان‌ها به شمار می‌رود - بپردازند. همچنان ایجاد چنین سازمانی، این امکان را به کشورهای فارسی‌زبان خواهد داد که از یک‌طرف تجربیات سایر سازمان‌های منطقه‌ای که براساس همبستگی زبانی تأسیس شده و برای تقویت و گسترش زبانشان فعالیت می‌کنند، استفاده می‌کند و از طرف دیگر با تقویت و گسترش زبان فارسی نفوذ منطقه‌ای خویش را بیشتر می‌کند و افق‌های جدید همکاری و همگرایی میان حوزه تمدنی زبان فارسی را بگشایند.

موارد زیر می‌تواند شامل اهداف اساسی این سازمان شود:

- تقویت همکاری‌ها برای توسعه روابط فرهنگی اعضا؛

- پاسداشت زبان، ادبیات و فرهنگ فارسی‌زبانان؛

- غنای تقویت و گسترش زبان فارسی؛

- تلاش برای احیای شکوه و عظمت زبان فارسی در گستره جهانی.

ساختار تشکیلاتی سازمان نیز از مباحث مهمی است که باید در اینجا به آن اشاره شود. طبق رویه معمول، ساختار سازمان‌های بین‌المللی شامل مجمع عمومی، شوراها، دبیرخانه، کمیته‌های تخصصی و دستگاه‌ها و سازوکارهای حل‌وفصل اختلافات است که تحت عناوین یاد شده یا عناوین مشابه وجود داشته و در تعامل با یکدیگر جهت پیشبرد اهداف سازمان فعالیت می‌کنند.^۲ سازمان موردنظر ما نیز می‌تواند علاوه بر ارکان اصلی چون دبیرخانه، مجمع و شورا، برخی ارکان فرعی ای چون فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شورای گسترش زبان فارسی، آکادمی تحقیقات و مطالعات زبان و فرهنگ فارسی‌زبانان، مؤسسه علمی و فرهنگی کشورهای فارسی‌زبان، دانشگاه‌ها، پژوهشکده‌ها، خبرگزاری‌ها، مؤسسه نشر آثار و تحقیقات و... را نیز می‌تواند داشته باشد که همه در راستای اهداف اصلی سازمان به کار برده می‌شوند.

^۱. Rittberger, V. *International Organization: Polity, Politics and Policies*, Palgrave Macmillan, 2006, P 51.

^۲. ظریف، محمدجواد و سید محمدکاظم سجادیپور، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۶۰.

۴.۴. کارکردهای سازمان

چون دولت‌ها به دلیل ناکارآمدی راه‌حل‌های یک‌جانبه و کسب مشروعیت به چندجانبه‌گرایی روی می‌آورند؛ بنابراین تولید مشروعیت و شناسایی بین‌المللی از کارکردهای فراگیر دیپلماسی چندجانبه و سازمان‌های بین‌المللی به شمار می‌روند. همچنان، سازمان‌های بین‌المللی امکان‌های مناسب تعامل میان کشورها و زمینه را برای تعدیل قدرت‌های بزرگ‌تر و کنشگری و افزایش نسبی نفوذ کشورهای کوچک‌تر فراهم می‌کند. علاوه بر کارکردهای فراگیر یاد شده، موارد دیگری نیز در سازمان‌های بین‌المللی قابل توجه است که هنجارسازی، قانون‌سازی، نظارت و اقدامات اجرایی از موارد مهم آن است.^۱ سازمان کشورهای فارسی‌زبان می‌تواند به‌عنوان محلی برای ارتباط و تعامل در زمینه‌های مختلف فرهنگی و زبانی از جمله پاسداشت، تقویت و گسترش زبان فارسی به شمار رود. این سازمان می‌تواند یکی از بسترهای مهم تولید گفت‌وگوها و فرصتی برای درک مشترک از انگاره‌ها، ایستارها و ارزش‌های حوزه تمدنی زبان فارسی و به‌تبع آن فائق آمدن بر معضلات و مشکلاتی باشد که از واگرایی و عدم همکاری میان کشورهای فارسی‌زبان پدید آمده و سبب تضعیف زبان فارسی شده‌اند.

این سازمان با صدور قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و امضای عهدنامه‌ها، نوشتن اساسنامه سازمان به زبان فارسی و تعریف زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی سازمان و تلاش برای شامل ساختن زبان فارسی در جمع زبان‌های ملل متحد و دیگر سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای، که کشورهای فارسی‌زبان عضو آن هستند و همچنان از طریق نهادسازی و اقدامات اجرایی می‌تواند نقش برجسته‌ای در پاسداشت و تقویت زبان فارسی ایفا کند.

نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است؛ پاسداشت زبان در زمره اهداف و برنامه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرار داشته و نقش دولت‌ها در حمایت از زبان برجسته‌تر از سازمان‌های بین‌المللی بوده است. درج زبان رسمی در قوانین کشورها، تصویب قوانین حمایت از زبان‌های یک کشور، تعیین روز مشخصی به نام روز زبان ملی کشور، تأسیس نهادهای مانند فرهنگستان زبان، مؤسسات گسترش زبان به کشورهای دیگر و... از زمره تلاش‌های مهم دولت‌ها در راستای حمایت از زبان به شمار می‌رود. به همین ترتیب، مطالعه سازمان‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که در کنار سازمان‌های جهانی، مانند یونسکو که حفاظت و حمایت زبان‌ها از وظایف آن به شمار می‌رود، برخی سازمان‌های منطقه‌ای به اساس همبستگی زبانی شکل گرفته‌اند؛ مانند سازمان کشورهای فرانسه‌زبان و جامعه کشورهای پرتغالی‌زبان که حفظ، تقویت و گسترش زبان اعضا از اهداف اساسی‌شان به شمار می‌رود.

زبان فارسی به‌عنوان میراث مشترک فارسی‌زبانان از عدم همکاری و انسجام کشورهای فارسی‌زبان و نبود سازوکار فراکشوری، که تلاش مشترک کشورهای فارسی‌زبان را برای پاسداشت این زبان رقم بزند، رنج می‌برد و با گذشت هر روز بر مشکلات این زبان افزوده می‌شود. پس، با استفاده از تئوری‌های شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی و تجارب سازمان‌های منطقه‌ای دیگر تشکیل یک سازمان بین‌الدولی برای پاسداری و گسترش زبان فارسی ضرورت است. برای نایل شدن به این مأمول با استمداد از نظریه فالکر ریتبرگر، که موقعیت‌های سه‌گانه را برای تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تکوین سازمان‌های بین‌المللی مطرح کرده است، با استفاده از موقعیت برتر ایران نسبت به سایر کشورهای فارسی‌زبان (موقعیت هژمونیک)، دغدغه‌های مشترکی چون یکسان‌سازی خط و نام زبان و رسمیت دادن و شامل ساختن آن در مجامع

^۱ همان، ص ۳۵.

بین‌المللی (موقعیت مسئله‌محور) و تاریخ، فرهنگ، هویت و دین مشترک (موقعیت شناختی) می‌توان زمینه‌های شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای برای پاسداشت زبان فارسی را امکان‌سنجی و تحلیل کنیم. با آنکه هر سه موقعیت یادشده بر شکل‌گیری چنین سازمانی تأثیرگذار می‌تواند باشد، تأثیرگذاری آنها یکسان نیست. موقعیت شناختی بیشترین تأثیر و موقعیت هژمونیک کمترین تأثیر را خواهد داشت. با ایجاد چنین سازمانی مشکلات عدیده‌ای که زبان فارسی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، حل می‌شود و هنجارسازی، قانون‌سازی، اقدامات اجرایی و اقدامات نظارتی این سازمان، زبان فارسی مورد حمایت قرار گرفته، تقویت شده، قلمرو آن گسترش پیدا خواهد کرد.

منابع

کتاب

۱. آشوری، داریوش، *بازاندیشی زبان فارسی: ده مقاله*، تهران: مرکز، چاپ هشتم، ۱۳۹۶.
۲. بیگزاده، ابراهیم، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: مجد، چاپ نهم، ۱۴۰۲.
۳. ظریف، محمدجواد و سید محمدکاظم سجادیپور، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۴. کاظمی، محمدکاظم، *این قند پارسی: فارسی دری در افغانستان امروز*، تهران: عرفان، ۱۳۸۹.
۵. کاظمی، محمدکاظم، *هم‌زبانی و بی‌زبانی*، تهران: عرفان، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
۶. کمیسون اسلامی حقوق بشر اسلامی ایران، *حقوق اقلیت‌های زبانی*، ترجمه: محمدرضا آفتاب، ۱۳۹۲.
۷. موسی‌زاده، رضا، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: میزان، چاپ هفتم، ۱۳۵۸.

مقاله

۸. آدمی، علی و مهسا نوری، «دیپلماسی فرهنگی ترکیه در آسیای مرکزی: فرصت‌ها و چالش‌های پیشرو»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۱۹، شماره ۸۳، ۱۳۹۲، صص ۲۷-۱.
۹. امینی، رضا، «چالش‌های امروز زبان فارسی»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی*، دوره ۱۴، شماره ۵۵، ۱۳۹۶، صص ۳۶-۹.
۱۰. حاجیان، خدیجه، «زمینه‌ها و ظرفیت‌های زبان و ادبیات فارسی در هم‌گرایی منطقه‌ای کشورهای حوزه تمدن ایران فرهنگی، مطالعه موردی: افغانستان و تاجیکستان»، *مطالعات فرهنگ و هنر آسیا*، دوره ۲، شماره ۱، ۱۴۰۲، صص ۷۴-۵۷.
۱۱. حبیب‌نژاد، سید احمد و زهرا دانش‌ناری، «حمایت از حقوق زبانی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، *فصلنامه حقوق اداری*، دوره ۶، شماره ۱۷، ۱۳۹۷، صص ۱۷۹-۱۵۵.
۱۲. خدایار، ابراهیم، «موانع و راهکارهای خط، زبان و ادب فارسی در کشورهای حوزه تمدنی مشترک با ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۳۹۷، صص ۲۱-۳.
۱۳. صادق‌زاده وایقان، علی، نفیسه سنجی و وحید توسلی، «نقش سازمان‌های بین‌المللی فرهنگی در حفاظت از مکتوبات بشری در سوریه و بررسی ضرورت تشکیل اتحادیه کتابخانه‌های دارای نسخه‌های خطی اسلامی در جهان»، *فصلنامه آرشیو ملی*، دوره ۴، شماره ۳، ۱۳۹۷، صص ۲۰۹-۲۰۰.
۱۴. فوزی، یحیی و فرحناز نعیمی برچلوی، «گسترش زبان فارسی و چالش‌های سیاسی فراروی آن»، *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*، باتومی، ۱۳۹۵، صص ۱۲-۱.
۱۵. قدسی، فضل‌الله، «جایگاه زبان فارسی در افغانستان پس از تأسیس حکومت مستقل»، *فصلنامه نامه فرهنگستان*، شماره ۲۶، ۱۳۸۴، صص ۱۲۸-۱۱۷.

۱۶. متقی، افشین، حسین ربیعی، مراد کاویانی راد و حسن یعقوب نیا، «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری کلان‌ج.ا. ایران با قلمروسازی زبان در کشورهای فارسی‌زبان منطقه، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران»، *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، دوره ۲، شماره ۴، ۱۳۹۸، صص ۳۲۶-۳۰۳.
۱۷. رنجکش، محمدجواد، «کاربست نظریه فالکر ریتبرگر در فرایند شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی موردپژوهی؛ سازمان همکاری شانگهای»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، دوره ۳، شماره ۴، ۱۳۹۷، صص ۱۷۱-۱۴۹.
۱۸. سیدان، مریم، «چند پیشنهاد سیاستی در حوزه زبان فارسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۳۹۵، صص ۲۲۷-۲۱۳.
۱۹. یسنا، محمد یعقوب، «جایگاه زبان پارسی در افغانستان»، *فصلنامه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۲۰، شماره ۴۰، ۱۳۹۸، صص ۲۰۹-۱۸۱.

پایان‌نامه

۲۰. بهمنی، تورج، «عوامل و موانع توسعه روابط سیاسی / اقتصادی ایران و کشورهای فارسی‌زبان (تاجیکستان و افغانستان) در هزاره جدید»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *دانشگاه شهید بهشتی*، ۱۳۹۸.
۲۱. علی‌نژاد، سمیه، «حق بر زبان در حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *مؤسسه آموزش عالی شهید اشرفی اصفهانی*، ۱۳۹۲.

قوانین و اسناد

۲۲. اساسنامه بنیاد سعدی، شورای عالی انقلاب‌فرهنگی، مصوب جلسه ۶۷۳ مورخ ۱۳۹۸/۸/۴.
۲۳. اساسنامه شورای گسترش زبان فارسی، شورای عالی انقلاب‌فرهنگی، مصوب صد و چهلمین جلسه مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۷.
۲۴. سیاست‌های کلی نظام، مصوب ۱۳/۱۰/۷۶.
۲۵. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲.
۲۶. قانون اساسی افغانستان، وزارت عدلیه، مصوب ۱۳۴۳.
۲۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۸. قانون اساسی جمهوری تاجیکستان، مصوب ۱۳۵۷.

References

Books

1. Ashouri, Dariush, *Rethinking the Persian Language: Ten Essays*, Tehran: Center, Eighth Edition, 2017. (in Persian)
2. Beig-Zadeh, Ebrahim *International Organizations Law*, Tehran: Majd, Ninth Edition, 2023. (in Persian)
3. Islamic Human Rights Commission of Iran, *Rights of Linguistic Minorities*, Translated by: Mohammad Reza Aftab, 2013. (in Persian)
4. Kazemi, Mohammad Kazem, *Collaborative and Speechless*, Tehran: Erfan, Third Edition, 2011. (in Persian)
5. Kazemi, Mohammad Kazem, *This Persian Sugar: Dari Persian in Today's Afghanistan*, Tehran: Erfan, 2010. (in Persian)
6. Keohane, R. O. *After Hegemony: Cooperation and Discord in the world political economy*, New Jersey: Princeton Univ Press, 2005.
7. Mousa-Zadeh, Reza, *International Organizations*, Tehran: Mizan, Seventh Edition, 1979. (in Persian)

8. ODU Model United Nations Society. *ODUMUNC 2020 Issue Brief for the GA Third Committee, Protecting Languages and Preserving Cultures*, United Nations, 2020.
9. Rittberger, V. *International Organization: Polity, Politics and Policies*, Palgrave Macmillan, 2006.
10. Zarif, Mohammad Javad and Sayyed Mohammad Kazem Sajjad-Pour, *International Organizations*, Tehran: Mizan, First Edition, 2010. (in Persian)

Articles

11. Adami, Ali and Mahsa Nouri, "Turkish Cultural Diplomacy in Central Asia: Opportunities and Challenges Ahead", *Central Asia and Caucasus Quarterly*, Volume 19, Issue 83, 2013, pp: 1-27. (in Persian)
12. Amini, Reza, "Current Challenges of Persian Language", *Literary Research Quarterly*, Volume 14, Issue 55, 2017, pp: 9-36. (in Persian)
13. Blake, J. "Safeguarding Endangered and Indigenous Languages-How Human Rights Can Contribute to Preserving Biodiversity", *Environmental Sciences*, Volume 10, Issue 1, 2013.
14. Fouzi, Yahya and Farhanaz Nae'imi Bercheloi, "The Spread of the Persian language and the Political Challenges It Faces", *The Third International Conference on Modern Researches in Management, Economics and Humanities*, Batumi, 2016, pp: 1-12. (in Persian)
15. Ghodsi, Fazlollah, "The Status of the Persian Language in Afghanistan After the Establishment of an Independent Government", *Academy letter Quarterly*, Issue 26, 2005, pp: 117-128. (in Persian)
16. Glasze, G. "The Discursive Constitution of a World-Spanning Region and the Role of Empty Signifiers: The Case of Francophonie", *Geopolitics*, Volume 12, Issue 4, 2007, pp: 656-679.
17. Habib-Nejad Sayyed Ahmad and Zahra Danesh Nari, "Protection of linguistic rights in the practice of the European Court of Human Rights", *Administrative Law Quarterly*, Volume 6, Issue 17, 2018, pp: 155-179. (in Persian)
18. Hajian, Khadijeh, "Contexts and Potentials of Persian Language and Literature in the Regional Convergence of Countries in the Iranian Cultural Civilization Area, Case Study: Afghanistan and Tajikistan", *Asian Culture and Art Studies*, Volume 2, Issue 1, 2023. (in Persian)
19. Khodaverdi, Hassan and Yousef Shah-Mohammadi. "The Role of Culture in International Relations Theories", *International Journal of Political Science*, Volume 7, Issue 3, 2017, pp: 46-60.
20. Khodayar, Ebrahim, "Obstacles and Solutions of Persian Calligraphy, Language and Literature in the Countries of Common Civilization with Iran", *National Studies Quarterly*, Volume 19, Issue 2, 2018, pp: 3-21. (in Persian)
21. Mottaghi, Afshin, Hossein Rabi'ei, Morad Kaviani Rad and Hassan Ya'ghoub-Nia "Pathology of the Macro Policy-Making of Islamic Republic of Iran with Linguistic Territoriality in The Persian Speaking Countries of the Region", *Monthly Journal of Iranian Political Sociology*, Volume 2, Issue 4, 2019, pp: 303-326. (in Persian)
22. Osiejewicz, J. "Supranational Protection of Language Rights in Universal and European Context", *University of Zielona Góra*, 2017, pp: 43-50.
23. Ranj-Kesh, Mohammad Javad, "Applying Falker Reitberger's Theory to the Process of Forming International Organizations (Case Study; Shanghai Cooperation Organization)", *Political Geography Research Quartetly*, Volume 3, Issue 4, 2019, pp: 149-171. (in Persian)
24. Sadegh-Zadeh Vayghan, Ali, Nafiseh Sanjani and Vahid Tavasoli, "The Role of International Cultural Organizations in the Protection of Human Writings in Syria and Examining the Necessity of Forming an Association of Libraries with Islamic Manuscripts in the World", *National Archives Quarterly*, Volume 4, Issue 3, 2018, pp: 200-209. (in Persian)
25. Sanches, E. R. "The Community of Portuguese Language Speaking Countries: The Role of Language in a Globalizing World", *Atlantic Future Scientific Paper*, 2014, pp: 1-23.

26. Seyedan, Maryam, "Recommended Policies In Realm Of Persian Language", *Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy*, Volume 6, Issue 21, 2016, pp: 213-227. (in Persian)
27. Weinstein, B. "Francophonie: a Language-Based Movement in World Politics", *International Organization*, Volume 30, Issue 3, 1976, pp: 485-507.
28. Yasna, Mohammad Ya'ghoub, "The Position of the Persian Language in Afghanistan", *Research Paper in Persian Language and Literature Quarterly*, Volume 20, Issue 40, 2019, pp: 181-209. (in Persian)

Thesis

29. Ali-Nejad, Somayeh, "The right to language in international law", Master's Thesis, *Shahid Ashrafi Esfahani Institute of Higher Education*, 2013. (in Persian)
30. Bahmani, Touraj, "Factors and obstacles in the development of political/economic relations between Iran and Persian-speaking countries (Tajikistan and Afghanistan) in the new millennium", Master's Thesis, *Shahid Beheshti University*, 2019. (in Persian)

Laws and Documents

31. Afghan Constitution, Ministry of Justice, Approved on 1965. (in Persian)
32. Constitution of the Islamic Republic of Iran, Islamic Council Research Center. (in Persian)
33. General Policies of the System, Approved on 1998/01/03. (in Persian)
34. Sa'adi Foundation Statutes, Supreme Council of Cultural Revolution, Approved by the Meeting 673, Dated 26/10/2019. (in Persian)
35. The Constitution of Afghanistan, Approved on 2003. (in Persian)
36. The Constitution of the Republic of Tajikistan, Approved on 1977. (in Persian)
37. The Statute of the Persian Language Development Council, Supreme Council of Cultural Revolution, Approved by One hundred and Fortieth Session, Dated 1988/02/16. (in Persian)

Websites

38. Becaard, D. S. R. and Menechelli, P. "Chinese cultural diplomacy: Instruments in china's strategy for international insertion in the 21th century", 2009. Available at <https://www.redalyc.org/journal/358/35860327006/html/>. Last Visited: 2024/03/04.
39. <https://research.ut.ac.ir/>.
40. <https://www.goethe.de>.